تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹
صفحه ۲۱۰-۱۹۳
نوع مقاله: پژوهشی

مطالعه نقوش گلیم "پلاس" شهرستان قائنات

آناهیتا مقبلی (نویسنده‌ی مسئول)
دانشیار، گروه علمی هنر، دانشگاه پیام نور، تهران- ایران
a_moghbeli@pnu.ac.ir
زهره اسدپور
کارشناس ارشد پژوهش هنر، کارشناس صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۱
بهار و تابستان ۱۴۰۱

چکیده

بافته‌های داری تولید شده توسط زنان شهرستان قائنات در استان خراسان‌جنوبی از نظر اصالت، کیفیت، نقوش و کاربرد بسیار با ارزش هستند. در این میان وجود دست‌بافته‌ای به نام پَلاس توجه هر علاقه‌مندی به این حوزه را به خود جلب می‌کند. نقوش این زیرانداز تابع نقشه‌ای از پیش تعیین شده نبوده و در ذهن پلاس‌باف جای دارد. هدف این مقاله ابتدا معرفی این دست‌بافته‌ی ارزشمند و زیبایی‌های پنهان شده در نقوش آن بوده و به دنبال یافتن پاسخ برای این سؤالات است که: پلاس‌های دست‌بافت شهرستان قائنات متشکل از چه نقوشی است؟ عوامل مؤثر بر خلق و ایجاد نقوش پلاس‌های دست‌بافت شهرستان قائنات چیست؟ این تحقیق که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده، آنچه از ذهن بافنده بر زمینه‌ی پلاس انعکاس یافته را با استفاده از روش میدانی، تصویربرداری از نمونه‌ها، مصاحبه با هنرمندان و مطالعه‌ی مستندات کتابخانه‌ای، استخراج، ثبت و دسته‌بندی نموده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد طرح و نقش در پلاس‌های شهرستان قائنات در سه دسته‌ی گیاهی، جانوری و هندسی دسته‌بندی می‌شوند. در بطن نقوش گلیم (پلاس) که آمیخته با زندگی است تأثیر و اهمیت زیست روزانه، اقلیم و طبیعت را می‌توان دید. بررسی‌ها نشان می‌دهد پلاس‌ها نوعی کارکرد تعویذگونه داشته و جایی برای ثبت و ضبط نماد تجسمی چشم‌زخم و دفع نیروهای شر بوده‌اند. تأثیر مهاجرت، تنوع قومی و تعاملات فرهنگی با مناطق هم‌جوار شامل استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان و خراسان‌رضوی نیز در نقوش کاملاً مشهود است.

واژه‌های کلیدی: پلاس، خراسان جنوبی، قائن، گلیم، نقش

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

Study of "Plus" kilim motifs of qaenat city

Anahita Moghbeli (Corresponding Author)

Associate Professor, Department of Art, Payam Noor University, Tehran- Iran

a_moghbeli@pnu.ac.ir

Zohre Asadpour

Master of Art Research, Handicrafts Expert, General Directorate of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts of South Khorasan

Abstract

Woven fabrics produced by women in qaenat city in South Khorasan province are very valuable in terms of originality, quality, patterns and application. Meanwhile, the existence of a hand-woven fabric called Plus attracts the attention of anyone interested in this field. The designs of this underlayment are not a function of a predetermined plan and are in the mind of the plus weaver. The purpose of this article is to first introduce this valuable hand-woven and the beauties hidden in its designs, and to find answers to these questions: What are the hand-woven plus designs of qaenat city? What are the factors influencing the creation of hand-woven patterns in Qaenat city? This research, which was carried out by a descriptive-analytical method, extracted, recorded and categorized what was reflected from the mind of the weaver on the field of Plus by using the field method, photographing samples, interviewing artists and studying library documents.The results of the research show that the designs and patterns on the carpets of Qaynat city are classified into three categories: plant, animal and geometric. In the heart of the carpet (carpet) designs, which are mixed with life, the impact and importance of daily life, climate and nature can be seen. Studies show that the carpets had a kind of amulet-like function and were a place to record and record the visual symbol of the evil eye and ward off evil forces. The impact of migration, ethnic diversity and cultural interactions with neighboring regions including the provinces of Sistan and Baluchestan, Kerman and Khorasan Razavi is also clearly evident in the designs.

Keywords: Plus, South Khorasan, qaenat, kilim, role

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۱
بهار و تابستان ۱۴۰۱

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

مقدمه

در مورد دست‌بافته‌های ایران مطالعات فراوانی صورت گرفته و محققان زیادی از زوایای مختلف به این مهم پرداخته‌اند. در این میان اشتهار قالی خراسان نیز دلیل قلم‌فرسایی پژوهشگران متعدد شده و بعدها که خراسان‌جنوبی استانی مستقل شد کماکان بیشتر بررسی‌ها حول محور بافته‌های پرزدار (قالی و قالیچه) ادامه یافت. این در حالی است که تنوع گروه بافته‌های داری و زیراندازها در جنوب خراسان فراتر از آن چیزی است که به آن پرداخته شده است.

بافته‌های دستی دوگونه هستند: ۱-بافته‌های دستگاهی ۲- بافته‌های داری. بافته‌های داری شامل: بافته‌های داری پرزدار مانند انواع قالی و گبه و بافته‌های داری بدون پرز مانند انواع گلیم است (مهدوی، ۱۳۸۷: ۱۲۱). علی‌رغم پیشینه‌ی کهن بافت انواع گلیم و پلاس در استان خراسان، متأسفانه هنوز هم در منابع مکتوب، اطلاعاتی از این تولیدات دیده نمی‌شود (حسین‌آبادی و صائبی، ۱۳۹۹: ۸۳). پژوهش پیش‌رو حول محور دست‌بافته‌ای به نام پلاس در شهرستان قائنات استان خراسان‌جنوبی است. هدف کلی این مطالعه معرفی پلاس به‌عنوان یک عنصر فرهنگی در منطقه و دست‌بافته‌ای ارزشمند اما دیده نشده در قالب بررسی نقش‌مایه‌ها، دسته‌بندی و عوامل مؤثر بر خلق آن‌ها (نقوش) است.

پلاس در واقع گلیمی درشت‌بافت، با مواد اولیه ضخیم‌تر و بافتی درشت‌تر نسبت به گلیم‌های تخت یا دورو است. پلاس در شهرستان قائنات در میان عشایر نیمه کوچ‌رو و نیز روستاییان رواج داشته و در دسته تولیدات روستایی و عشایری قرار می‌گیرد. با وجود تنوعی که در رنگ دارد عموماً ساده و با خطوط هندسی و شکسته و طرح و نقش ذهنی بافته می‌شود.

زیبایی طبیعی، استحکام، اصالت طرح و نقش، ارزانی قیمت از مزایای فرش‌های روستایی و عشایری است. پلاس در منطقه همانند سایر تولیدات مشابه عموماً بر روی دار افقی (زمینی) از جنس چوب یا فلز و به کمک ابزار ساده با کارکردهایی نظیر زیرانداز، خورجین، جوال[1] بافته می‌شود. در چند سال اخیر و در پی اجرای برنامه‌هایی برای باززنده‌سازی پلاس با مرکزیت شهرستان قائن و روستای فَلَک[2] توسعه‌ی این منسوج در چند کارگاه نمونه در حال انجام است. اما آن‌چه باعث شکل‌گیری این پژوهش شد زیبایی منحصربه‌فرد پلاس منطقه و عدم پرداختن به آن به‌عنوان یک صنعت دستی قابل تأمل در گروه بافته‌های داری، رواج شایسته در گذشته، سابقه‌ی تاریخی، تعدد بافندگان و تلاش صورت گرفته در چند سال اخیر جهت احیاء و باززنده‌سازی این رشته است. ضرورت انجام این پژوهش حفظ سنت پلاس‌بافی منطقه از خطر فراموشی و توجه به آن، ادامه انجام مطالعاتی با این مضمون و نگاه به ظرفیت‌های بومی به‌ویژه در حوزه‌ی صنایع دستی در مواجهه با تغییرات اقلیمی، پدیده‌ی خشکسالی، مهاجرت و ... است. این مطالعه همچنین در پی یافتن پاسخ این سؤالات است که: پلاس‌های دست‌بافت شهرستان قائنات متشکل از چه نقوشی است؟ عوامل مؤثر بر خلق و ایجاد نقوش پلاس‌های دست‌بافت شهرستان قائنات چیست؟

پیشینه‌ی پژوهش

اصطخری (جغرافی‌دان قرن ۴) در کتاب المسالک و الممالک (۱۳۶۸) و ابن‌حوقل (سیاح و جغرافی‌دان قرن۴) در کتاب صوره‌الارض (۱۳۴۵) به پلاس‌بافی قائنات و معروفیت آن اشاره کرده‌اند. دانشگر (۱۳۷۲) از قائنات به‌عنوان بخشی از جغرافیای مهم فرش در ایران یاد می‌کند.

آذرپاد و حشمتی‌رضوی (۱۳۷۲) و حشمتی‌رضوی (۱۳۸۱) قائن را به‌عنوان یکی از کانون‌های بافندگی خراسان ذکر می‌کند. صور اسرافیل (۱۳۸۳) بخشی از فصل دوم کتاب خود را به شهرستان قائن به‌عنوان یکی

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

از مراکز تولید اختصاص داده است و نکاتی تاریخی را مطرح می‌سازد. برازنده مقدم (۱۳۹۲) مختصری پیرامون گلیم، ابزار و روش‌های بافت و معرفی تعدادی از نقوش گلیم شهرستان قائنات مطالبی را بیان کرده است. افتاده (۱۴۰۰) مجموعه‌ای کامل از نقوش قالیچه‌های بلوچی خراسان جنوبی را گردآوری نموده که در بین این نقوش، نمونه‌های مشابه با نقوش پلاس قائن وجود دارد. حسین‌آبادی و صائبی (۱۳۹۹) به پیشینه‌ی کهن بافت انواع گلیم و پلاس در استان خراسان اشاره دارند. در میان نقوش جمع‌آوری شده در این مقاله می‌توان نقوشی مشابه بعضی از نقوش پلاس قائن را دید.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق به روش توصیفی- تحلیلی انجام شده و جامعه‌ی آماری مورد مطالعه شامل شهر قائن و روستاهای فلک ، نیگ، سراب و خشک بوده که به علت وجود بافندگان، مربیان، پیشکسوتان مطلع و همچنین مشارکت در طرح احیاء این دست‌بافته از اهمیت خاص برخوردار هستند. گردآوری اطلاعات بر محور پژوهش‌های میدانی و در قالب مصاحبه و گفتگو با اشخاص، عکاسی از نمونه‌های در دسترس، مطالعات کتابخانه‌ای و سپس بررسی و طبقه‌بندی داده‌ها است. نظر به احیاء مجدد این دست‌بافته در منطقه، تأکید محقق بر مطالعه‌ی نمونه‌های اصیل و قدیمی است.

شهرستان قائنات و پلاس‌بافی

شهرستان قائن آن‌چنان که مارکوپولو می‌نامید «تونوکاین[۲]» از قدیمی‌ترین شهرهای ایران است که در قدیم پایتخت قُهستان (کوهستان) بوده است. در کتاب پهلوی بند ۶ به آن اشاره شده است. « قائن (شهر) را کی‌لهراسب پدر گشتاسب ساخت» و یکی از دوازده شهر پایتخت ایران بوده و اهمیت ویژه ای داشته است. بنا بر گفته‌ها، محل استقرار فریدون اسطوره‌ای در قائنات بوده است (صوراسرافیل، ۱۳۸۳: ۷۳). شهرستان قائنات (به مرکزیت شهر قائن) در شمال شرق استان خراسان جنوبی قرار گرفته و از شرق به شهرستان زیرکوه و از شمال به استان خراسان رضوی، از غرب به شهرستان سرایان و از جنوب به شهرستان‌های درمیان و بیرجند محدود شده است (تصویر شماره ۱).



تصویر ۱- نقشه شهرستان قائنات (قابل دسترس در آدرس: https://portal.sko.ir)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

قائنات منطقه‌ای خشک و تقریباً کویری و دارای آب و هوای متغیر است. در قائن در گذشته جنگل‌های بسیار و همچنین دامداری وجود داشته و پشم مرغوبی به دست می‌آمده است (صوراسرافیل، ۱۳۸۳: ۷۴). تولید انواع منسوجات دست‌بافت شامل انواع قالی و قالیچه، گلیم، پلاس، پارچه و ... از قدیم‌الایام یکی از منابع مهم درآمد و تأمین معاش در مواجهه با خشکسالی‌های مداوم در اقلیم خشک جنوب خراسان بوده است. در منطقه‌ی قائنات هر گاه پدیده‌ی خشکسالی به‌وقوع پیوسته و کشاورزی و دامداری دچار مشکل شده و مهاجرت را تشدید نموده، صنایع‌دستی توانسته علاوه بر ایجاد درآمد مانع از مهاجرت شود (رجبی، ۱۳۸۴: ۲۱۵).

عمده‌ترین صنایع‌دستی این شهرستان در گروه نساجی‌سنتی و بافته‌های داری شامل رشته‌هایی همچون: حوله‌بافی، کرباس‌بافی، چادرشب‌بافی، جاجیم‌بافی، قالی و قالیچه، گلیم، گلیم فرش (سفره آردی) و پلاس است. همان‌طور که در پیشینه‌ی پژوهش ذکر شد در منابع مختلف از قائنات به‌عنوان یکی از کانون‌های بافندگی خراسان و مناطق مهم جغرافیای فرش‌ایران یاد شده است. این اشارات تاریخی صورت گرفته توسط بعضی از سیاحان، سفرنامه‌نویسان، جغرافی‌دانان و ... به پلاس‌بافی، نشان از معروفیت، مقبولیت و اصالت این دست‌بافته دارد. جیهانی، جغرافی‌دان قرن ۴ در کتاب اشکال‌العالم در توصیف شهر قائن ضمن اشاره به صناعان زیرک و استاد، می‌گوید: «از ولایت قهستان کرباس‌های نیکو و پلاس‌های خوب و زیلوها مانند جهرمی می‌بافند» (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۰و ۱۷۱). ابن‌حوقل، سیاح و جغرافی‌دان قرن۴ در کتاب معروف خود صوره‌الارض به سال ۳۶۷ ه می‌نویسد: « در سراسر منطقه‌ی قائنات رودخانه نیست و آب از قنات و چاه است. از آن‌جا انواع کرباس‌ها به دست می‌آید که آن را بیشتر به نواحی می‌برند و نیز پلاس آن‌جا معروف است» (مهدوی، ۱۳۷۸: ۶۸). اصطخری، جغرافی‌دان قرن ۴ می‌نویسد: «در قهستان کرباس خیزد و پلاس و آن‌چه بدان ماند» (صوراسرافیل، ۱۳۸۳: ۶).

دست‌بافته‌ها بخشی از هویت طوایف روستانشین و عشایر را تشکیل می‌دهند که بیشتر مصرف خانوادگی و شخصی داشته است. با توجه به اهمیت امر ازدواج از گذشته تاکنون، پلاس‌ها به‌عنوان تأمین‌کننده‌ی بخشی از جهیزیه و مهریه‌ی عروس از رواج شایسته‌ای برخوردار بوده و زن و دختر روستایی تمام ابتکار، هنرمندی و مهارت خود را در تولید آن‌ها به‌کار می‌برده است. حضور پررنگ پلاس‌ها در کاربردهای گوناگونی به‌ویژه زیرانداز را در زندگی ساده‌ی روستاییان و عشایر منطقه در گذشته می‌توان دید. امروزه تغییر روش زندگی و یک‌جانشینی باعث توقف تولید بعضی از محصولاتی از این دست همانند خورجین، نمکدان، کیسه‌هایی جهت انبار و ... شده و تولید پلاس به‌عنوان زیرانداز را نیز به حداکثر رسانده است.

کارگاه‌های کوچک گلیم در روستاها معمولاً نشانگر تولیدات طوایف عشایری است که در زمان‌های قدیم یا ایام جدید اسکان داده شده‌اند و به بافت تنها برای مصرف داخلی پرداخته‌اند (هال و بارنارد، ۱۳۷۵: ۶). ۹ طایفه‌ی مستقل عشایری در منطقه‌ای به نام زیرکوه که در گذشته جزو شهرستان قائنات بوده و در حال حاضر به‌عنوان شهرستانی مستقل در استان خراسان جنوبی شناخته شده مستقر هستند. دامداری در کنار کشاورزی شغل اصلی روستاییان و عشایر را تشکیل می‌دهد لذا از پشم و موی حیوانات در تولید انواع دست‌بافته به‌ویژه پلاس استفاده می‌شده است.

انواع پلاس و مواد اولیه

پلاس‌ها را می‌توان هم بر اساس چله (چله‌ی پشم، چله‌ی پنبه) و هم بر اساس مواد اولیه‌ی استفاده شده در کلیت کار (پلاس پشمی، پلاس مویی، پلاس پنبه‌ای) دسته‌بندی کرد. البته نوعی از پلاس نیز به کمک پارچه‌های مستعملی که به‌صورت نوارهای بلند و کم‌عرض به‌دست آمده تولید می‌شود که به لته‌بافی[۳] معروف است. لبه‌ی پلاس نیز

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

اغلب از موی بز است. در نمونه های قدیمی گاهی مشاهده می‌شود دو لت یا دو باریکه‌ی کم‌عرض پلاس نیز به کمک موی بز وصل می‌شود. موی بز در بافندگی روستایی و عشایری، هم به‌صورت تار و پود و هم به‌صورت مخلوط با پشم و به‌عنوان تار کاربرد داشته است. پلاس های قدیمی معمولاً از الیاف دست‌ریس تولید می‌شده‌اند.

پشم دست‌ریس یک تاب نسبتاً کمی دارد که الیاف آن تقریباً موازی با طول آن تنظیم یافته است چنین ریسمانی به سطح گلیم خواب نرمی می‌دهد که به زودی به براقی ملایمی تبدیل می‌شود و رنگ‌های به‌کاررفته را درخشان می‌سازد در مقابل، پشم ماشین‌ریس از الیاف ظریف مجعد و از هم گسیخته و درهم بافته‌ای تشکیل شده که نور را چندان خوب منعکس نمی‌سازد (هال و بارنارد،۱۳۷۵:۱۰). پلاس غالباً برای نیاز خانواده بافته می‌شد لذا در گذشته غالب بافنده‌ها علاوه بر تولید الیاف دست‌ریس، خود رنگرز هم بودند و در هنگام تولید از رنگ‌های گیاهی و یا جوهری استفاده می‌کرده‌اند. مواد رنگزای طبیعی از پوشش گیاهی منطقه به دست می‌آمد. پلاس‌های قدیمی طیف رنگی محدودی از هم‌نشینی رنگ‌های قرمز، آبی تا سورمه‌ای، سیاه و ... دارند. برای نگاره‌های کوچک هم از رنگ‌های شتری، سفید و... استفاده می‌شده است.

انتخاب رنگ‌ها بر اساس مواد رنگی موجود و سپس سلیقه‌ی بافنده‌ها انجام می‌شود. چگونگی چیدن رنگ‌ها در ایجاد هماهنگی بین طرح و رنگ، نقش مهمی ایفا می‌کند (یاوری، ۱۳۸۹:۳۱). بافنده‌های عشایر و روستایی از استعداد فوق‌العاده‌ای در ترکیب رنگ‌ها برخوردار هستند. رنگ طبیعی پس از مدتی و تحت تأثیر عوامل طبیعی مثل آفتاب و رطوبت به رنگ‌های ملایمی بدل می‌شود (همان: ۲۹). در حال حاضر رنگ‌های شیمیایی و پشم‌هایی که با کمک ماشین ریسیده شده است اصلی‌ترین مواد برای بافت پلاس را تشکیل می‌دهند. البته پلاس‌های تولید شده در کارگاه‌های منتخب پروژه‌ی احیاء اداره‌ی میراث فرهنگی شهرستان قائنات با الیاف پشمی رنگ گیاهی و طیف رنگی متنوع‌تری نسبت به گذشته به‌صورت محدود در حال تولید هستند. الویت پلاس‌بافان در شهر قادن و روستای فَلَک، استفاده از نخ پشم با رنگ گیاهی است که انتظار می‌رود با افزایش کارگاه‌های تولیدی، تولید این دست‌بافته با رنگ گیاهی افزایش یابد.

تجهیزات و بافت

دو نوع دستگاه بافندگی وجود دارد. نوع زمینی قابل حمل و نقل، نوع دائم عمودی که در شهرها و روستاها مورد استفاده قرار می‌گیرد (هال و بارنارد، ۱۳۷۵:۱۲). عشایر به طور معمول از دارهای افقی استفاده می‌کنند و در روستاها هم دار عمودی به‌کار می‌برند و هم دارافقی (آذرپاد و حشمتی‌رضوی ،۱۳۷۲:۷۱). چادرنشینان دار زمینی را به‌کار می‌برند زیرا ساختار آن ساده است و می‌شود به آسانی آن را از زمین کند و پیچید و بسته‌بندی کرده و برای کوچ آن را پشت حیوانی بار کرده و دوباره در نواحی ییلاقی و قشلاقی آن را بر پا کرد (تصویر ۲) (هال و بارنارد، ۱۳۷۵:۱۲). درحال حاضر در شهر قائن پلاس‌بافی به کمک دار فلزی عمودی و در روستاها به وسیله‌ی دار افقی تولید می‌شود. پلاس‌ها در ابعاد متنوع در اندازه‌های ۱/۵ در ۳ متر، ۲ در ۴ متر، ۵۰ سانتی‌متر در یک متر و ... تولید می‌شوند.

پلاس با عبور نخ‌های پشمی رنگین پود از لابه‌لای نخ‌های تار یا چله و به روش پودگذاری بافته می‌شود و برای استحکام بافت و قطعی‌کردن درگیری تار و پود از شانه یا دفتین استفاده می‌کنند و با زدن ضربات لازم، درگیری نهایی و در واقع یک ردیف یا یک رج بافته می‌شود (حسین‌آبادی و صائبی: ۱۳۹۹،۸۷). بافت پلاس در خراسان جنوبی و شهرستان قائنات به صورت ذهنی و طرح کلی آن به این صورت است که زمینه به راه‌ها یا نوارهای افقی با قطرهای متفاوت تقسیم شده، بعضی نوارها ساده و بعضی طرح‌دار هستند.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]



تصویر ۲- دار زمینی (نگارندگان،۱۴۰۰).

معرفی نقوش پلاس قائنات

نقوش را می‌توان از شاخصه‌های مهم در بررسی دست‌بافته‌های خراسان جنوبی دانست. نقوشی که در عین هماهنگی، تناسب و تقارن و به لحاظ داشتن بار معنایی، نمایانگر تصورات مردمان این سرزمین بوده و هستند. برای بررسی نقوش پلاس ابتدا باید آن‌ها را دسته‌بندی کرد. پلاس‌های قائنات را می‌توان از نظر طرح و نقش به دو دسته تقسیم کرد: ۱-پلاس‌های ساده: که از مواد اولیه با کیفیت پایین‌تر بافته شده و مجموعه‌ای از نوارهای رنگین باریک و پهن در قالب نظمی مشخص را تشکیل می‌دهند. به نوارهای باریک تک رنگ «دست‌خط» و به نوارهای پهن تک رنگ «تخته» می‌گویند (تصویر ۳). ۲-پلاس‌های طرح‌دار: که از مواد اولیه با کیفیت بالا تهیه شده و دارای مجموعه‌ای از نقوش گیاهی، جانوری و هندسی هستند (تصویر ۴).

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۱
بهار و تابستان ۱۴۰۱



تصویر ۳- پلاس ساده (نگارندگان،۱۴۰۰)



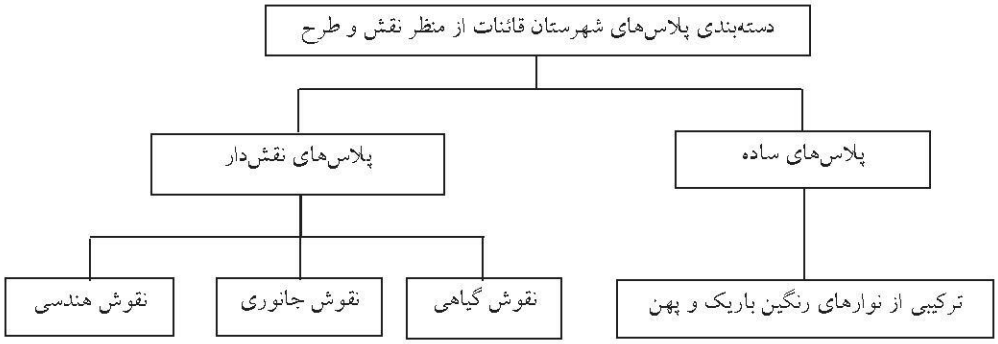
تصویر ۴- پلاس طرح‌دار (نگارندگان،۱۴۰۰)

انسان همواره از محیط اطراف، باورها و نگرش‌ها و تخیلات خود در خلق آثارش استفاده نموده است (برازنده، ۱۳۹۲ : ۱۳۳). نقوش گلیم‌های بافته‌شده در هر منطقه چه از نظر طرح و چه از نظر بافت و رنگ‌آمیزی مختصات خاص منطقه‌ی خود را دارد (یاوری، ۱۳۸۹:۱۴۴). طرح و نقش پلاس‌های قائنات نمادین و ذهنی‌باف هستند که در قالب نقش‌مایه‌های گیاهی و جانوری ترسیم شده و گاهی در نهایت به سادگی و اختصار به اشکال هندسی رسیده‌اند.

طرح ذهنی‌باف، گونه‌ای نقشه‌بندی هندسی که در آن نگاره‌ها زاییده‌ی خیال و نتیجه‌ی دریافت ذهن بافنده از اشیای دور و بر مانند وسیله‌های کار و زندگی است. نیازی به نقشه‌ی از پیش تعیین شده نیست و بافنده به طور معمول همان نقش را می‌بافد که به هنگام کار به ذهنش می‌رسد (آذرپاد وحشمتی‌رضوی،۱۳۷۲:۸۷). اختصار و

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

خلاصه‌گویی در ترکیبات موزون با اشکال هندسی، فرم‌های تجریدی و انتزاعی همراه با ترکیب‌های ساده، وجود نوارهای رنگی در سطوح گلیم (پلاس) که با نقش‌مایه‌های مختلف تزئین شده را در دست‌بافته های خراسان می‌توان مشاهده کرد (شیرعلیان، ۵۴:۱۳۹۸).



نمودار ۱- طبقه‌بندی نقوش پلاس‌های شهرستان قائنات (نگارندگان)

الف- نقوش گیاهی

به نقوشی گفته می‌شود که گیاه یا بخشی از آن را مستقیماً در ذهن تداعی کنند (شریف و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰). نقوش‌گیاهی در تمام هنرهای دستی به‌ویژه دست‌بافته‌ها حضور دارد و الهام گرفته از گیاهان موجود در طبیعت هستند که به‌صورت انتزاعی بر روی دست‌بافته‌ها ایجاد شده‌اند. از جمله نقوش گیاهی در پلاس می‌توان به نقش انواع گل شامل: سیبک[۴]، پایه‌دار[۵]، آتش برق[۶]، پیاله[۷]، کُماچی[۸]و بادامکی[۹] اشاره کرد که در جدول شماره‌ی ۱ دسته‌بندی شده است. تجلی وسایل خانه مانند پیاله ، ابزار ضروری زندگی مانند آتش برق (نام سنگی برای مهیا کردن آتش و افروختن اجاق)، قوت غالب مانند کماچ (اسم نوعی نان که در جنوب خراسان بسیار رایج است)، محصول درختچه‌های مثمر مانند بادام و سیب به شکل نقشی در پلاس اوج خلاقیت بافندگان را نشان می‌دهد. جنوب خراسان به واسطه‌ی مجاورت با دشت لوت و دشت کویر و دوری از منابع رطوبتی، از شرایط اقلیمی خشک و بیابانی در نواحی پست و آب و هوای نیمه خشک و معتدل در نواحی کوهستانی برخوردار است. تأثیر مستقیم اقلیم و پوشش‌گیاهی محدود را می‌توان در نقوش خلق شده دید. جدای از معانی ظاهری به نظر می‌رسد این نقوش که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند، حاوی پیام‌های پنهان تصویری نیز باشند که در گذر زمان از یاد رفته است. با توجه به تکرار اشکالی مانند مثلث و لوزی در ایجاد نقوش بخش گیاهی، می‌توان فرضیه‌ی دفع نیروهای شر به‌ویژه چشم‌زخم، که از رایج‌ترین باورهای عامیانه است را به‌عنوان پیام پنهانی این دسته از نقوش مطرح کرد.

نگاره‌های چشم‌زخم در دست‌بافته‌ها به اشکال هندسی تبدیل شده است که می‌توان گفت تابع شکل چشم انسان است و اغلب در اشکال لوزی و مثلث و گاهی مربع طراحی شده است. در ترکیب‌بندی نقش و فرم، در میان سطوح، لوزی و مثلث بیشتر استفاده شده است که آن نیز یادآور شکل چشم است (افضل طوسی و سنجی،۹۱:۱۳۹۳). با توجه به مهاجرپذیر بودن منطقه، بررسی‌های صورت گرفته نشان از وجود شباهت‌هایی بین نقوش‌گیاهی پلاس قائنات و نقوش دست‌بافته‌های مناطق هم‌جوار شامل استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان رضوی (به شرح جدول شماره‌ی ۲) دارد. در نمونه‌های مورد بررسی هیچ نقشی از درخت یا درختچه یافت نشد.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

جدول ۱- نقش‌مایه‌های گیاهی پلاس شهرستان قائنات

عنوان	نام نقش	تصویر خطی	تصویر بافته شده‌ی نقش
گیاهی	گل پایه‌دار		
	گل آتش برق		
	گل پیاله		
	گل کماچی		
	بادامکی		
	گل سیبک		
	سیبک		

(نگارندگان)

جدول ۲- تطبیق نقش‌مایه‌های گیاهی پلاس قائنات با استان‌های هم‌جوار

نام نقش	تصویر خطی نقش	نقش مشابه	منطقه‌ی جغرافیایی	نام نقش
سیبک			۱- سیستان و بلوچستان ۲- خراسان رضوی ۳- کرمان	۱- نقش‌مایه‌ی کوش (رحیم‌پور و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۹) ۲- نقش‌مایه‌ی پول نقش (صائبی و حسین‌آبادی، ۱۳۹۹: ۹۷) ۳- نقش‌مایه‌ی سیوک (شریف و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰)
بادامکی			۱- خراسان رضوی ۲- سیستان و بلوچستان ۳- کرمان	۱- لوکه نقش (صائبی و حسین‌آبادی، ۱۳۹۹: ۱۰۰) ۲- نقش‌مایه‌ی بلوچی (افتاده ، ۱۴۰۰: ۶۶) ۳- چشم گاو (شریف و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲)

(نگارندگان)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

ب- نقوش جانداران

به نقوشی اطلاق می‌شود که مستقیماً جانداران را به ذهن متبادر کنند، هرچند بازنمایی مطلق نداشته باشند. (شریف و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱). از جمله نقوش جانوری پلاس‌های شهرستان قائنات می‌توان به چشم‌چَغوک[۱۰] (پرنده‌ی پرشمار در منطقه)، کَژمار[۱۱] (مار چمبره زده)، پنجه مرغی[۱۲]، شُرشُر گو[۱۳] (ادرار گاو)، بَجولَک [۱۴] و بَجولَک کوچک (در گویش محلی به بخشی از پاچه‌ی گوسفند بَجولَک گفته می‌شود) اشاره کرد (جدول شماره‌ی ۳).

جدول ۳- نقش‌مایه‌های جانوری پلاس شهرستان قائنات

نوع نقش	نام نقش	تصویر خطی	تصویر بافته شده نقش
جانوری	کژمار		
	چشم چَغوک		
	بَجولَک		
	بَجولَک کوچک		
	شُرشُر گو (گاو)		
	پنجه مرغی		
	بوجی		
	مگسی		

(نگارندگان)

توجه به حیوانات پرشمار در محیط‌زیست بافنده مانند: چَغوک یا گنجشک، مار و حیواناتی که به‌طور مستقیم در بقاء و اقتصاد خانوار نقشی پررنگ دارند مانند: مرغ، گاو، گوسفند و دقت به اجزاء آن‌ها شامل چشم، پنجه و استخوان را به وضوح می‌توان در نقوش این بخش مشاهده کرد. این امکان نیز وجود دارد که با توجه به از یاد رفتن عنوان اصلی بعضی از نقوش بافنده بنا به مشابهت نقش به فرمی خاص، خود مبتکر نامی جدید شده است مانند

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

نقش بَجولَک. شرایط بد اقلیمی، خشکسالی و یا عوامل‌سیاسی را می‌توان از دلایل مهاجرت اقوام از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر دانست. وجود عشایر در شهرستان زیرکوه (مجاور شهرستان قائن) که از نواحی مرزی و استان‌های مجاور به این منطقه مراجعت کرده‌اند مسبب تنوع قومی و تأثیرپذیری در بخش‌های مختلف زیستی منجمله نقوش دست‌بافته‌ها شده است. با توجه به سکونت این اقوام مختلف، منجمله قوم بلوچ سنی مذهب، تأثیر دیدگاه‌های مذهبی بر نقوش مورد استفاده در پلاس را می‌توان مشاهده کرد. بافندگان بخش‌هایی از شهرستان زیرکوه که تا چندسال قبل بخشی از منطقه‌ی قائنات بوده، بافت تصاویر جانوران در دست‌بافته را معصیت می‌دانند. استفاده از نقوش جانوری به واسطه‌ی این‌که در روز قیامت باید بافنده بتواند به آن جان دهد و چون از عهده‌ی او خارج است و به نوعی دخالت در کار آفریدگار است گناه محسوب می‌شود از این رو در نقوش جانوری آن‌ها، حیوانات همیشه همراه با نقص به تصویر کشیده می‌شوند (نظری، ۱۳۹۴: ۷۳) .

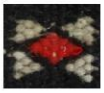
در نقوش پلاس طرح کامل از حیوان دیده نمی‌شود که به نظر می‌رسد متأثر از این اندیشه بوده و در دراز مدت سبب حضور کم‌رنگ نقوش‌جانوری در دست‌بافته‌ها شده است. جدای از تأثیر نقوش قوم بلوچ مهاجر از سیستان و بلوچستان، می‌توان نقوش سایر استان‌های هم‌جوار مانند کرمان و خراسان رضوی را (به شرح جدول شماره‌ی ۴) در نقوش‌جانوری پلاس هم مشاهده کرد. در نقوش‌جانوری پلاس‌ها به غیر از طرح کژمار که اشاره مستقیم به مار خمیده (به‌صورت انتزاعی) دارد طرح کاملی از یک گونه دیده نمی‌شود. در نمونه‌های مورد بررسی، هیچ‌گونه نقش‌انسانی یافت نشد که احتمالاً این مهم نیز متأثر از باورهای‌دینی اشاره شده باشد. تبدیل فرم بدن حشرات ریز به نقش‌مایه‌ای در قالب نقش بوجی و مگسی می‌تواند از ویژگی‌های نقوش حیوانی مورد استفاده در پلاس قائنات باشد. استفاده‌ی گسترده از فرم‌های مثلثی و لوزی شکل، کارکرد دفع نیروهای شر به‌ویژه چشم‌زخم را برای نقش‌مایه‌های حیوانی، همانند نقوش گیاهی پر رنگ می‌کند. این باور در میان بومیان منطقه برای جلوگیری از آسیب چشم‌زخم، بهترین کار، استفاده و ترسیم شکل چشم انسان است. لوزی تقسیم شده به چهار قسمت مساوی تاحدودی شبیه به تصویر رایج چشم است که در بافته‌ها دیده می شود. مثلث هم شکل تصنعی چشم را تداعی می‌کند.

جدول ۴- تطبیق نقش‌مایه‌های جانوری پلاس قائنات با استان‌های هم‌جوار

نام نقش	تصویر خطی نقش	نقش مشابه	منطقه‌ی جغرافیایی	نام نقش
پنجه مرغی			سیستان و بلوچستان	نقش‌مایه‌ی بلوچی (افتاده ، ۱۴۰۰: ۶۶)
چشم چغوک			سیستان و بلوچستان	دستبند (همان: ۶۹)
مگسی			کرمان	چش کوگو (شریف و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۸)
شُرشُر گو(گاو)			خراسان رضوی	(صائبی و حسین‌آبادی، ۱۳۹۹: ۹۲)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

جدول ۳- نقش‌مایه‌های جانوری پلاس شهرستان قائنات

نوع نقش	نام نقش	تصویر خطی	تصویر بافته شده نقش
جانوری	کژمار		
	چشم چَغوک		
	بَجولَک		
	بَجولَک کوچک		
	شُرشُر گو (گاو)		
	پنجه مرغی		
	بوجی		
	مگسی		

(نگارندگان)

ج- نقوش هندسی

بیشترین فراوانی و تنوع در نقوش پلاس‌های قائنات در نقوشی هستند که ماهیت هندسی دارند. انسان همواره سعی نموده است با مدد گرفتن از خطوط ساده و اولیه در تزئین اشیاء ساخته شده‌ی خود، نقوشی پدید آورد که بیانگر اندیشه و حاصل مفاهیم رمزی و سمبلیک باشد (شیرعلیان، ۱۳۹۷ :۵۷). از جمله نقوش هندسی پلاس‌ها می‌توان به کج کجی[۱۵] (تو وَر تو)، دندانه اره[۱۶] (ابزار کار)، کلید شیطو[۱۷] (شیطان)، پَره‌جُلکی[۱۸] (بخشی از ابزار نخ‌ریسی)، پر جبرییل[۱۹]، عربی[۲۰]، نقش و نگار یا خال نقش[۲۱]، نُه دَمی[۲۲]، چارپَر[۲۳]، اِشکَم‌سُرخَک[۲۴]، سیمک[۲۵]، آینه سرمه‌دان[۲۶] و کلید اشاره کرد (جدول شماره‌ی ۵).

بخشی از این نقوش الهام‌گرفته از ساده‌ترین ابزار و وسایل زندگی روستایی و عشایری مانند: پَره‌جلک، دندانه اره، کلید، آینه سرمه‌دان هستند که نشان‌دهنده‌ی تصورات بافنده در رابطه‌ای نمادین با پیرامون، دغدغه‌های ذهنی و برداشتی از طبیعت اطراف و زندگی روزمره‌اش است. دلیل توجه به کارکرد این اشیاء به تصویر کشیده شده، نقش پررنگ آن‌ها در ذهن و زیست بافنده است. به‌عنوان مثال می‌توان به نقش آینه و سرمه‌دان اشاره کرد که بافنده برای

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

زینت خود و دست بافته‌اش توأمان استفاده می‌کند. به نظر می‌رسد طرح وسط این نقش که شباهت به چشم دارد می‌تواند این نقش را در دسته نقوش دورکننده‌ی چشم‌زخم قرار دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد نقوش هندسی پلاس هم همانند نقوش گیاهی و جانوری این دست‌بافته، مملو از خطوط زاویه‌دار، به‌ویژه فرم‌های مثلث و لوزی است که می‌تواند فرضیه کارکرد دفع نیروهای‌شر را پر رنگ نماید. لوزی به‌عنوان شکلی شبیه به قالب چشم در نقوش این بخش شامل: اِشکم سرخک، سیمک، نقش و نگار، تو وَر تو، پره جُلکی و آینه سرمه‌دان حضوری مکرر دارد. نقشِ اشکم سرخک که تلفیقی از دو لوزی است کاملاً تداعی‌کننده‌ی چشم انسان و چه بسا نمادی از چشم‌زخم باشد. نقش عربی (تصویر ۵) را نیز می‌توان الهام‌گرفته از خطوط اسلامی (کوفی معقلی) دانست (تصویر ۶). فراموش شدن عنوان اصلی بعضی از نقوش به مرور زمان، سبب شده بافنده، بنا به مشابهت نقش به فرمی خاص یا شیوه‌ی بافت، خود مبتکر نامی جدید شود مانند نُه دمی،که اشاره به شیوه‌ی بافت آن نقش دارد.



تصویر ۵- نقش عربی (نگارندگان، ۱۴۰۱)



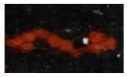
تصویر ۶- نمونه از خط کوفی معقلی (قوچانی، ۱۳۶۴: ۱۲۴)

جدول ۵- نقش‌مایه‌های هندسی پلاس شهرستان قائنات

عنوان	نام نقش	تصویر خطی	تصویر بافته شده نقش
هندسی	دندانه اره		
	اشکم سُرخَک		
	پر جبرییل		
	کلید شیطان		

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

ادامه‌ی جدول ۵- نقش‌مایه‌های هندسی پلاس شهرستان قائنات

عنوان	نام نقش	تصویر خطی	تصویر بافته شده نقش
هندسی	آینه سرمه‌دان		
	عربی		
	نه دمی		
	چخماق		
	نقش و نگار یا خال نقش		
	کلید		
	چار پر		
	کَج کَجی یا تو وَر تو		
	پره جُلَکی		

(نگارندگان)

در میان نقوش پلاس قائنات بیشترین تعداد نقوش مشترک با مناطق هم‌جوار به گروه نقوش هندسی تعلق دارد. این تأثیرپذیری، استان‌های خراسان رضوی، کرمان و سیستان و بلوچستان را در بر می‌گیرد. (به شرح جدول شماره‌ی ۶)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

جدول ۶- تطبیق نقش‌مایه های هندسی پلاس قائنات با استان‌های هم‌جوار

نام نقش	تصویر خطی نقش	نقش مشابه	منطقه‌ی جغرافیایی	نام نقش
پر جبرییل			خراسان رضوی	کَپَلَک (صائبی و حسین‌آبادی، ۱۳۹۹: ۹۲)
آینه سرمه‌دان			کرمان	زنجیل (شریف ودیگران، ۱۳۹۵: ۱۷)
کَج کَجی یا تو وَر تو			خراسان رضوی	چیتی ساده (صائبی و حسین‌آبادی، ۱۳۹۹: ۹۲)
نقش و نگار			خراسان رضوی	بختیار (صائبی و حسین‌آبادی، ۱۳۹۹: ۹۴)
چخماق			۱.خراسان رضوی ۲.سیستان و بلوچستان ۳.کرمان	۱.چخماغ (صائبی و حسین‌آبادی، ۱۳۹۹: ۹۷) ۲.گل ۴ اهو (افتاده، ۱۴۰۰: ۶۵) ۳.قلاب یا چاق و ماغ (شریف و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶)

(نگارندگان)

عوامل مؤثر بر خلق نقوش

انسان در طول تاریخ، برای بیان مفاهیم ذهنی و اندیشه‌های خود، توانست با شیوه‌ی نمادپردازی، مفاهیمی را آشکار سازد که شاید به روش‌های دیگر، نمی‌توانست آن را توصیف کند. مطالعه‌ی نقوش این امکان را به ما می‌دهد تا عقاید و دلبستگی مردمان را شناخته و با فرهنگ، باورها و سنت‌های آنان آشنا شویم (شاهبیکی، ۱۳۸۸: ۳۹-۴۱). نقوش موجود در پلاس را می‌توان در سه بستر گیاهی، جانوری و هندسی تقسیم‌بندی کرد.

پلاس همانند سایر بافته‌های داری منطقه البته به غیر از قالی، عمدتاً توسط زنان بافته می‌شود لذا با توجه به سطح پایین سواد بین بافندگان، مسأله‌ی قابل توجه، عوامل مؤثر بر خلق ماهرانه‌ی نقوش و هم‌نشینی زیبای طرح‌ها در زمینه‌ی پلاس است. در نگاه اول به نظر می‌رسد هر آن‌چه در حین بافت در معرض دید زن بافنده قرار دارد الهام‌بخش اوست. در بطن نقوش گلیم (پلاس) که آمیخته با زندگی است تأثیر و اهمیت زیست روزانه، اقلیم، طبیعت و باورهای بومی را می‌توان دید. نقوش گیاهی را می‌توان خلاقیت زنان بافنده در پاسخ به طبیعت خشک محیط پیرامون و نشانه‌ای از خواست‌باطنی بافندگان برای سرسبزی و خرمی محیط‌زیست آن‌ها دانست. آن‌جا که پیاله، سنگ آتش زنه، کُماچ (نوعی نان محلی) همه در قالب گل، بر بستر دست‌بافته ایجاد می‌شوند. در نقوش منسوب به جانوری توجه به موجودات پرشمار محیط پیرامون و همین طور تبدیل اجزاء حیوانات به نقش، مورد تمرکز بافنده است. توجه به ابزار کار و وسایل زندگی روزمره‌ی روستایی در بخش نقوش هندسی بیشتر به چشم

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

می‌آید. جدای از معانی ظاهری به نظر می‌رسد این نقوش که سینه به سینه منتقل شده‌اند حاوی پیام‌های پنهان تصویری نیز باشند که در گذر زمان از یاد رفته است. شیوه‌ی دشوار زندگی کشاورزی و دامداری در اقلیم خشک جنوب خراسان، سبب شد انسان مدام دغدغه‌ی حفاظت از دارایی‌های خود در برابر نیروهای شر به روش‌های مختلف داشته باشد. با توجه به حضور گسترده‌ی فرم‌های زاویه‌دار به‌ویژه مثلث و لوزی، می‌توان کارکرد دفع نیروهای شر را برای این دست‌بافته متصور شد. این باور وجود دارد که برای جلوگیری از آسیب چشم‌زخم، بهترین کار، استفاده و ترسیم شکل چشم انسان است. لوزی تقسیم شده به چهار قسمت مساوی تاحدودی شبیه به تصویر رایج چشم است که در بافته‌ها دیده می‌شود. مثلث هم شکل تصنعی چشم را تداعی می‌کند. لذا به نظر می‌رسد نقوش دست‌بافته‌ها محلی برای ثبت و ضبط نماد تجسمی چشم زخم نیز باشند.

استقرار یک نقش مکرر در هر یک از نوارهای افقی تشکیل‌دهنده‌ی سطح پلاس، استفاده از این دست‌بافته در دالان ورودی خانه و مواجهه افراد با این دست‌بافته در بدو ورود، فرضیه‌ی بهره‌وری به‌عنوان کالایی تعویذگونه را مطرح سازد. در بررسی ریشه‌های نمادین، مثلث نوعی تعویذ برای حاصلخیزی و باروری است. سه‌گوش‌های پیوسته که نشانه‌ی رمزی کوهسار است به منزله‌ی منبع و نگاه‌دارنده‌ی آب‌های زمین است. تکرار سه‌گوش‌های متساوی‌الاضلاع در نقوش می‌تواند اشاره‌ای به زمین، منابع آبی و حاصلخیزی که زیست روستایی و عشایری به آن وابسته است را داشته باشد. شرایط بد اقلیمی، خشکسالی و یا عوامل سیاسی را می‌توان از دلایل مهاجرت اقوام از منطقه‌ای به منطقه دیگر دانست. شهرستان زیرکوه که در گذشته جزء شهرستان قائنات بوده اقوام مختلف مانند فارس، بلوچ وهمچنین عشایر را در خود جای داده است. وجود این اقوام، تعدد مذاهب اسلامی و پیوندهای انسانی و فرهنگی صورت گرفته از سویی، باعث شده تا شاهد تأثیرپذیری نقوش از سایر فرهنگ‌ها و مناطق باشیم. تعامل فرهنگی با استان‌های هم‌جوار مانند سیستان و بلوچستان، کرمان و خراسان رضوی در الگوپذیری بعضی از نقوش، به وضوح دیده می‌شود. بعضی نقوش به مرور نام و مفهوم اولیه‌ی خود را از دست داده و به صرف تشابهاتی که داشته‌اند نام‌گذاری شده‌اند مانند: پنجه مرغی، بجولک، بوجی و ... نقوش دیگری نیز هستند که گرچه نام آن‌ها در فرهنگ واژگان امروزی معنی و مفهوم مشخصی ندارد اما فاقد بار فرهنگی و پیام نیستند زیرا ممکن است در گذشته معنا و توجیهی داشته ولی به مرور زمان کارکرد آن از بین رفته و فقط اسم آن به جای مانده است مانند کلید شیطان و پر جبرییل. باورهای دینی سبب شده تا بافنده به خود اجازه ایجاد تصویر کاملی از حیوان در دست‌بافته‌ی خود را به دلیل دخالت در کار خالق جهان و ترس از گناه ندهد. فقدان تصویر کامل از درخت، انسان و حیوان در پلاس ممکن است از این تفکر منشاء گرفته باشد.

نتیجه‌گیری

با مطالعه‌ی نقوش پلاس‌های شهرستان قائنات، می‌توان آن‌ها را در دو دسته‌ی پلاس‌های ساده و پلاس‌های نقش‌دار طبقه‌بندی کرد. پلاس‌های ساده متشکل از نوارهای پهن رنگین به نام تخته و نوارهای باریک رنگین به نام دست‌خط هستند. طرح و نقش در پلاس‌های نقش‌دار این شهرستان نمادین و ذهنی‌باف هستند که از نظر فراوانی در سه دسته‌ی گیاهی، جانوری و هندسی دسته‌بندی می‌شوند. بیشترین فراوانی و تنوع در نقوش به بخش هندسی اختصاص دارد.

در نگاه اول به نظر می‌رسد هر آن‌چه در حین بافت در معرض دید زن بافنده قرار دارد الهام‌بخش اوست. در بطن نقوش گلیم (پلاس) که آمیخته با زندگی است تاثیر و اهمیت زیست روزانه، اقلیم و طبیعت را می‌توان دید. اما جدای از معانی ظاهری این نقوش که سینه‌به‌سینه منتقل شده‌اند مفاهیم پنهان تصویری نیز قابل مشاهده هستند

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

که در گذر زمان فراموش شده‌اند. با توجه به حضور گسترده‌ی فرم‌های مثلث، لوزی و خطوط زاویه‌دار می‌توان به این نتیجه رسید که پلاس‌ها نوعی کارکرد تعویذگونه داشته و جایی برای ثبت و ضبط نماد تجسمی چشم‌زخم و دفع نیروهای شر بوده‌اند. در بررسی ریشه‌های نمادین، شکل مثلث می‌تواند اشاره‌ای به زمین، منابع آبی و حاصلخیزی که زیست روستایی و عشایری به آن وابسته است باشد. در بخش نقوش‌جانوری، باورهای دینی سبب شده تا بافنده در هنگام بافت به خود اجازه ایجاد تصویر کاملی از حیوان و انسان را به دلیل دخالت در کار خالق جهان و ترس از گناه ندهد. تأثیر اقوام مهاجر، تنوع قومی و تعاملات فرهنگی با مناطق هم‌جوار شامل استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان و خراسان رضوی نیز در نقوش کاملاً مشهود است.

پی‌نوشت

1- joval
2- Tunocain
3- latteh bafi
4- sibak
5- payehdar
6- atash bargh
7- piyaleh
8- komachi
9- badamaki
10- cheshme chaghok
11- kazh mar
12- panjeh morghi
13- shor shore go
14- bajolak
15- kaj kaji -to var to
16- dandaneh arreh
17- kelide sheyto
18- parreh jolaki
19- pareh jebraeel
20- arabi
21- khal naghsh
22- noh dami
23 charpar
24- eshkam sorkhak
25- simak
26- ayneh sormeh dan

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

فهرست منابع

- آذرپاد، حسن و فضل‌الله حشمتی‌رضوی. (۱۳۷۲). *فرشنامه‌ی ایران*. تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- استانداری خراسان جنوبی (۱۳۹۶). شهرستان قائنات. قابل دسترسی در آدرس https://portal.sko.ir.
- افتاده، مریم. (۱۴۰۰). *قالیچه‌های بلوچی خراسان جنوبی*. بیرجند: انتشارات چهاردرخت.
- افضل طوسی، عفت السادات و مونس سنجی. (۱۳۹۳). آرایه‌ها و نگاره‌های مرتبط با چشم‌زخم در بافته‌های اقوام ایران. *نشریه‌ی نگره*، ۳۱، ۷۹-۹۴.
- برازنده مقدم، طوبی. (۱۳۹۲). *شناخت و معرفی گلیم خراسان جنوبی. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد)*. دانشگاه الزهراء، ایران.
- جیهانی، ابوالقاسم‌بن‌احمد. (۱۳۶۸). *اشکال العالم* (ترجمه‌ی علی عبدالسلام کاتب). مشهد: موسسه‌ی به نشر.
- حسین‌آبادی، زهرا و وحیده صائبی. (۱۳۹۹). بررسی گلیم «پلاس» روستای اقداش در بستر فرهنگی منطقه. *دوفصلنامه‌ی گلجام*، ۳۷، ۱۰۲-۸۱.
- حشمتی‌رضوی، فضل‌الله. (۱۳۸۱). *فرش ایران* (چاپ سوم). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دانشگر، احمد. (۱۳۷۲). *فرهنگ جامع فرش ایران* (چاپ اول). تهران: انتشارات دی.
- رجبی، نجیب‌الله. (۱۳۸۴). *تاریخ و جغرافیای شهرستان قائنات* (چاپ اول). تهران: انتشارات شهرآشوب.
- رحیم‌پور، شهدخت و ابوالقاسم نعمت شهر بابکی. (۱۳۹۷). شناسایی و بررسی سفره‌های سیستان و بلوچستان (با تأکید بر ساختار بافت و نقش‌مایه‌ها). *دوفصلنامه‌ی گلجام*، ۳۴ ، ۷۲-۵۳
- شاه بیگی، مرتضی. (۱۳۸۸). *بررسی و تحلیل نقوش گلیم‌های خراسان جنوبی. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد)*. دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، ایران.
- شریف، حبیبه، پرویز اسکندرپور خرمی و اصغر فهیمی‌فر. (۱۳۹۵). مطالعه‌ی تأثیر عناصر موجود در طبیعت بر نقوش گلیم جیرفت. *دوفصلنامه‌ی گلجام*، ۳۰، ۲۲-۵.
- شیرعلیان، فاطمه. (۱۳۹۸). مطالعه‌ی تطبیقی نقش‌مایه‌های نمادین تکرارشونده در دست‌بافته‌ها (مطالعه موردی خراسان جنوبی با سیستان و بلوچستان). *جلوه‌ی هنر*، ۲۳، ۶۶-۵۳.
- صوراسرافیل، شیرین. (۱۳۸۳). *برکویر سبز جنوب فرش خراسان* (چاپ اول). تهران: انتشارات احیاء.
- مهدوی، فرشته. (۱۳۸۷). *آموزش قالی‌بافی،گلیم، جاجیم و گبه‌بافی* (چاپ اول). تهران: انتشارات مشق شب.
- قوچانی، عبدالله. (۱۳۶۴). *خط کوفی معقلی* (چاپ اول). تهران: بنیاد اندیشه‌ی اسلامی.
- نظری، امیر. (۱۳۹۴). تأثیر باورها، اعتقادات و تعاملات فرهنگی مردم مناطق شهرستان زیرکوه خراسان جنوبی بر انواع نقوش قالیچه‌های دست‌بافت آن‌ها. در همایش ملی فرش دست‌باف (۷۹-۶۳) خراسان جنوبی، بیرجند، آذرماه، دانشگاه بیرجند.
- هال، آلستر و نیکلاس بارناد. (۱۳۷۲). *گلیم‌های ایرانی* (ترجمه‌ی کرامت‌الله افسر). تهران: انتشارات یساولی.
- یاوری، حسین. (۱۳۸۹). *شناخت گلیم و گلیم مانندهای ایران* (چاپ اول). تهران: انتشارات آذر.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]